

	تاریخ روز: ۲۱ / ۰۲ / ۱۳۹۷	تاریخ ثبت: ۲۸ خرداد ۱۳۹۵	عنوان: اول تجلی حضرت حق (مرحله 1)
---	---------------------------	--------------------------	-----------------------------------

بسمه تعالی

«اول تجلی حضرت حق» (مرحله اول)

با شما مهندسان، با شما دکتران، با شما جراحان و با شما پزشکان و طبیبان جسم و جان بشر هستیم، با شما سخنران هستیم، با شما مییم! هم اکنون مخاطبان شما هستید! کالایی که به شما تقدیم می کنیم اگرچه در قالب مذهب است، ولی جهان فیزیک، شیمی و جهان علوم زنده و حتی سه مقاله ای که اینشتین، محقق قرن بیستم، نوشته نیز در درون این مباحث موج می زند که باید این ها را بجوید و بیابید؛ نه تنها شما بلکه همه مبتکران و محققان جهان و تمام پویندگان این مسیر باید بجوید؛ تا این ها را نجوید، گفته هایشان بی ثمر و بی فایده است. چرا؟ زیرا علومشان که باید جهان را پرموج گرداند بدون وجود این کالای بارزش احتمالاً چون نقشی است که بر آب منقوش می گردد اما هر آن گاه این ها را بجوید و درحقیقت بیابند، گونه افزایش سنگی است که تا ابد منقوش و اثرگذار است. اکنون ما برآن هستیم که این گوهرها و جواهر را به تو مخاطب تقدیم کنیم البته اگر اهلش هستی، اگر هم متوجه نیستی، توجهی نما، دریاب در درون این ها چه غوغایی نهفته است؟! اگر دانستی قبولش کن، اگر نیافتی ردش نکن.

آری، می خواهیم از اول تجلی حق یعنی از بروز هبأ، عقل مفارق و تلنگاری که بر هیولا زد و از ایجاد ابعاد سه گانه در عالم سخن بگویم ولی آیا هرکس با هر تز تفکری می تواند این حقائق را دریابد؟ دریافت حقائق این وادی وابسته به تز تفکر انسان است که در حالت دینامیک و پویا است یا در استاتیک و خمودگی زیرا اکثر تفاوت در یافته ها و نظریات از همین دو مورد نشئت می گیرد.

مثلاً شخصیتی مانند مارکس و پیروانش گویند: ما نمی توانیم ایده آلیسم (ماوراءالطبیعه) را بپذیریم زیرا آنچه برای ما قابل قبول و پذیرش است ماتریالیسم یعنی جهان حس و ماده است. آیا چنین کسانی که غرق در جهان ماده هستند می توانند به رموز این آیه با عظمت در قرآن که خداوند می فرماید: «ن والقلم و ما یسطرون» (قلم/68). راه یابند؟ اما در برابر دانشمند دیگری مانند فوئرباخ (Feuerbach)، فیلسوف قرن نوزدهم، نظریه ای دارد که طبق آن از سویی خداوند را انکار و از سویی دیگر فلسفه ای برای اخلاق به وجود آورده است و می گوید: «انسان در حینی که می تواند شریف باشد، می تواند منکر ایده آلیسم هم باشد و ماوراءالطبیعه را قبول نداشته باشد.» اما واقعاً به این نظریه خوب فکر کنیم که بشر چگونه می تواند شریف باشد ولی توحید، نبوت، ولایت، عصمت و معاد را قبول نداشته باشد! همان طور که حضرت استاد موسوی پیرامون شرافت انسانی می فرماید: «انکار ایده آلیسم مساوی است با سقوط در حیوانیت» همچنین ایشان در رساله معاد خود ذیل تدریس جلد نهم اسفار پیرامون ریشه حس می فرمایند: «ریشه حس از نیروی شهوت است و انسان ماده گرایی که منکر ایده آلیسم می شود؛ یعنی فقط غرق در ماده و نیروهای شهوانی است و علمش هم به چنین سمت و سویی هدایت شده و خالی از انوار حقه الهی و معنویت است.» درواقع، انسان باید به انسانیت برسد و این انسانیت زمانی با او همراه است که ملازم با

خداپرستی و شرافت اخلاق باشد و این ها زمانی در انسان بروز می کند که به وجود مابعدالطبیعه معتقد باشد و در وادی اسرار حق گام نهد. همان طور که حضرت ملاصدرا (اعلی ... مقامه) در صفحه 298 از جلد ششم اسفار خود می فرماید: «یا ابا الحقیقة و سالک طریق الحق أن تفهم من قلم ... و لوحه»؛ ای برادر حقیقی و سالک طریق حق، اگر بدانی که «ن»، «قلم» و «لوح» چیست؟ صاحب اسرار حق خواهی شد. آری، ماتریالیسم که حس را در عالم اصل داند راهی به سوی یافتن این اسرار ندارد زیرا معظمی مانند «ن»، «قلم» و «لوح حق» از رموز و اسرار الهی است که بعضی از عرفای حق توانسته اند در نهایت سرمستی به عالم اله به این رموز راه یابند و دریافت این رموز نیز مستلزم برچیدن حجاب‌هایی است که درون انسان را پرکرده است.

اکنون شما متفکر فکرتان را از کدام گذر آغاز می‌کنید؟ کالای ما این است، دریافتی؟! پس تو ای مخاطب! اندکی تأمل کن و از آنچه هستی بیرون بیا و به خود این اجازه را فرو نه و فرو ده و بدان و دریاب که سیرت در این وادی به ثمر خواهد رسید. اگر تو در هندسه، طبیعت، ریشه‌یابی های جهان و در دیدگاه پزشکی هستی و می‌خواهی شریان، جریان، پلاسما، خونابه‌ها و مویرگ های قلب انسان را دریابی که چگونه در سیرند، چه می‌کنند و چه فراز و نشیبی دارند و کجا در استاتیک یا در دینامیک هستند و کجا باید در تزی یا آنتی تزی باشند زیباتر آن است که کالای اصلی خویش را از درون گفته‌های فلسفی، حکمی و عرفان الهی پر سازی و از اشراقاتی که از جان جان بیان حق به جسم علوم عالم ریزش دارد بهره ور شوی. باید گفت چهره‌های علوم شما آن گاه مقدس می شود که از این بارقه‌ها و دریاهای بی‌نهایت علم الهی بهره‌ور شود.

چرا بشر با این گوهرها بیگانه و دور باشد؟ پس ای مخاطب! نزدیک تر بیا تا با این گوهرهای پر عظمت بیگانه نباشی و به شهادت راه یابی. حیف است که درونت از این ها خالی باشد و در سکوت بماند زیرا این سکوت به حقیقت یا به یقین برزخی میان علم بشر و علم حق خواهد شد. پس آن گاه که شما در خانه علوم الهی را بکوبید و استغاثه کنید و از جان این علوم بهره ور شوید در مقابل می‌توانید جان دیگران را هم به آرامش برسانید ولی اگر غیر از این باشد، آنچه انجام می دهید به احتمال زیاد خود و دیگران را خسته خواهید نمود.

ای محقق و دانشمند، این خستگی، بی‌رمقی و بی‌توجهی به آستان این علوم تا کی؟ بدان که جهان ماده چون در اندازه، ناقص و ناتمام است، به یقین صاحبش را در تناقض و در نقائص فرو خواهد گذاشت و آن‌هایی که تمام زندگی‌شان در ماده طی می شود و کسانی که انگیزه‌شان اندازه‌هاست، یقین بدانید در همان اندازه‌ها فرو خواهند ماند! اما روزی خواهد رسید که بشر به نواقص علوم خود آگاهی یابد و بفهمد که سخت در اشتباه بوده که چرا از این جهان فلسفه، حکمت و عرفان کم بهره یا بی‌بهره مانده است؟ ای عالم بشریت! این علم الهی، علم فلسفه صدرایی که با توحید، نبوت، ولایت، عصمت و قرآن آمیخته است به تو نوید و نهدی می دهد: نهیبش آن است که بشر را از ورطه‌های هولناک و پرتگاه‌های ماده یقیناً به وادی لایتناهی علوم معارف الهی خواهد رسانید و نویدش آن است که اگر پایه های علوم خویش را از گذر این وادی بهره‌ور ساختید، آن گاه انسان نمونه و محقق و دانشمندی شایسته و برگزیده خواهید شد و در جهان به زیباترین شیوه‌های علمی شناخته می شوید. اما زیباتر از همه آن است که محققان مانند اینشتین نباشند که به فروش یکی از مقالات سه گانه خویش آن هم با قبول هزینه‌ای اندک و با مبنای قابل توجه اقدام ورزید بلکه علم را در عصمت روحانی و شکوفایی مقدس خویش حفظ کنند نه اینکه کالای عالی را به ناقص بفروشند. مانند بقراط باشند که با سوگندنامه خویش و با جان‌ها در ارتباط بود.

ای دوست عزیز! که در ماده غرق شده‌ای! تا کی می خواهی در محیط جهل و بی‌خبری و در دایره‌های هوی

و هوس معلق باشی و از آن همه مزایای علمی حقه الهی بی بهره گردی؟ تا چه زمان در برابر جلوه ها و رمز و رازهای «ن و القلم و ما یسطرون» بی توجه و از گفته‌های ناقص ناقص‌ها به افتخار قلم یا سخن سرگرم باشی؟!

بدان که ما این را به بشر نوید می‌دهیم که اگر به تعداد انگشتان خویش هفته‌ها را در این وادی سیر کند، سرانجام می‌پذیرد که دنیای او غیر از دنیای ماقبل خواهد شد و جهانی غیر از جهان ماقبلش خواهد داشت.

آری، خطابمان به آنانی است که در جهان علم غوطه‌ورند، جهان علم هرچند پیچیده است ولی مرموز نیست اما فراموش نکنیم که در جهان دل، رمز کارساز است. بعضی آن چنان غرق در عوالم مادی خود هستند که اصلاً نامی هم از جهان رموز نشنیده‌اند و بعضی با نشانه‌ای که دارند به سوی آن می‌روند که اگر برای بزرگ انسانی راهی به حریم حرم یار باز شود، در جلوه غوطه‌ور، مطهر و محرم اسرار حق خواهد شد؛ آنجاست که او حقیقت «ن» را بیابد، جلوة قلم در او به تجلی آید و سرمست لوح اعظم حق می‌شود. با ما باشید با «ن و القلم و ما یسطرون»

منبع: از سلسله مباحث تحقیقی فیلسوف متأله استاد سیدعلی موسوی